

سرگذشت سیستان و رود هیرمند

(از ۱۷۴۷-۲۰۲۱)

کандید اکادمیسین محمد اعظم سیستانی
کابل - ۱۴۰۰ ش / ۲۰۲۱ م

سرگذشت سیستان و رود هیرمند (از ۱۷۴۷-۲۰۲۱) کاندید اکادمیسین محمد اعظم سیستانی کابل - ۱۴۰۰ ش / ۲۰۲۱ م



کاندید اکادمیسین محمد اعظم سیستانی: ۱۹۳۸- تیسروز

عضو علمی اکادمی علوم افغانستان در دهه ۸۰ قرن گذشته. در زمینه تاریخ و جامعه شناسی و نظام سبنداری در افغانستان، صاحب تالیفات بسیار میباشد. برخی از تالیفاتش عبارتند از:

→ سیستان، سرزمین ماسه ها و حماسه ها (۴ جلد) طبع اکادمی علوم افغانستان، کابل ۱۹۸۵ م - ۱۹۸۹ م

→ مسأله اصلاحات ارضی در افغانستان دهه ۷۰ قرن ۲۰، چاپ اکادمی علوم ۱۹۹۰ م
→ مالکیت ارضی و جنبشهای دهقانی در خراسان قرون وسطی، چاپ اکادمی علوم افغانستان، کابل ۱۳۶۲ = ۱۹۸۳ م.

→ سرگذشت سیستان و رود هیرمند (۱۷۴۷-۱۹۷۸) اکادمی علوم، کابل ۱۹۹۰ م

→ مردم شناسی سیستان، طبع اکادمی علوم افغانستان، ۱۳۶۸ = ۱۹۸۹ م

→ مقدمه بی بر کودتای تور و بیاعدهای آن در افغانستان، چاپ سوند، ۱۹۹۶ م

→ رستاخیز فتنه‌ها و فریبانی دولت صفویه در ایران، چاپ ۲۰۰۵ پشاور

→ علامه محمود طرزی، شاه امان الله و نقش روحانیت متنفذ، ۲۰۰۴ پشاور

→ ظهور افغانستان معاصر و احمدشاه ابدالی، چاپ پشاور، ۲۰۰۷

→ نقش تاریخی وزیر فتح خان در دولت سدوزائی افغانستان، چاپ ۲۰۱۳ پشاور

→ سلطنت پشتونها در هند، چاپ دانتس، ۲۰۱۴، پشاور

→ سیمای امیر آهتین در تاج التواریخ، انتشارات دانش، ۲۰۱۲ م / ۱۳۹۱ ش

→ تاریخ چیست و مورخ کیست؟ انتشارات دانش، کابل ۱۳۹۶ ش / ۲۰۱۷ م

→ سیمای زن افغان در حماسه و تاریخ، چاپ دانش، ۲۰۱۵ م / ۱۳۹۴ ش

→ حماسه قیامها با دو قرن مبارزه برای آزادی، انتشارات دانش، ۲۰۱۱ م

→ وطن و حب وطن از نظر علامه محمود طرزی، افغان جرسین آنلاین، ۲۰۲۰

→ بدگمالخان و اهمیت اجتماعی و اقتصادی آن، افغان جرسین آنلاین، ۲۰۲۱



به مناسبت افتتاح بند کمالخان در نیمروز



دولت جمهوری اسلامی افغانستان
اکادمی علوم
ریاست اطلاعات و ارتباط عامه

سرگذشت سیستان

و رود هیرمند

(از ۱۷۴۷-۲۰۲۱)

تالیف:

کاندید اکادمیسین محمداعظم سیستانی

کابل - ۱۴۰۰ هـ. ش / ۲۰۲۱ م

مشخصات کتاب

نام کتاب: سرگذشت سیستان و رود هیرمند (از ۱۷۴۷-۲۰۲۱م)

مؤلف: کاندید اکادمیسین محمد اعظم سیستانی

ناشر: ریاست اطلاعات و ارتباط عامه اکادمی علوم

اهتمام: دکتور ظ. شکیب

چاپ اول: اکادمی علوم افغانستان / کابل، ۱۹۹۰م

چاپ دوم: (با تجدید نظر و افزایش) ۱۴۰۰ هـ. ش / ۲۰۲۱ م

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

مطبعه: الهام نبی زاده، کابل - افغانستان

ادرس ایمیل: sistani.1@hotmail.com

ISBN : ۹۷۸-۹۹۳۶-۶۶۱-۲۳-۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

مقدمه مؤلف ۱

فصل اول

سیستان از عهد احمدشاه درانی تا سقوط رئیس جمهور داودخان

(۱۷۴۷-۱۹۷۸ م)

- کیانسی وطن اصلی کیانیان ۱۰
- در آمدن سیستان به قلمرو احمدشاه درانی ۱۵
- ملک سلیمان کیانی ۱۵
- ملک ناصر خان کیانی جانشین ملک سلیمان کیانی ۱۹
- ملک بهرام خان کیانی ۲۴
- ملک جلال الدین و آغاز انقراض سلسله کیانی ۲۸
- ملک حمزه کیانی ۳۱
- نظر چند محقق انگلیس در باره بقایای کیانیان ۳۴
- اوضاع سیستان بین سالهای ۱۸۳۷-۱۸۶۷ ۳۷
- مظفردوله و تخریب آثار متعلق به ملوک کیانی ۴۲
- علل انقراض سلسله کیانی ۴۳
- یک سند تاریخی در باره سیستان قرن ۱۹ ۴۶
- نگاه تحلیلی بر این سند تاریخی ۵۳

فصل دوم

داستان حکمیت انگلیس در سیستان

- اعزام ماموران انگلیسی به سیستان در نیمه اول قرن ۱۹ ۵۶
- معاهده پاریس و اعمال نفوذ ایران در سیستان ۶۰
- مخالفت امیر شیرعلی خان با سیاست انگلیس ۶۳
- حکمیت گولد سمید و نقطه نظرهای انگلیس ۶۸
- مدارک اساسی دولت ایران ۷۸
- مدارک اساسی دولت افغانستان ۷۹

۸۰	توضیحات ثانوی دولت ایران
۸۰	توضیحات ثانوی دولت افغانستان
۸۲	اینک تحقیقات محلی
۸۲	حقوق تاریخی
۸۳	دلایل گولدسمد بر حقانیت افغانستان
۹۱	اما موضوع تصرف (تقسیم)
۹۴	خلاصه کلیات و رأی حکمیت
۹۶	رأی حکمیت
۹۹	سیستان اصلی
۱۰۲	سیستان فرعی
۱۰۳	موقف دولتین در برابر حکمیت گولدسمید
۱۰۳	اهداف انگلیس از تقسیم سیستان
۱۰۶	تقسیم سیستان، علت اصلی جنگ دوم افغان و انگلیس

فصل سوم

سیستان از نظر عمال سیاسی انگلیس در قرن ۱۹

۱۰۹	سیستان از نظر لارد کرزن
۱۱۸	یاد داشتهای سر پرسی سایکس در باره سیستان
۱۲۸	مسافرت ساوج لیندور به سیستان در (۱۹۰۱)
۱۳۶	سیستان از نظر چیرول
۱۳۸	سیستان از نظر انگوس هملتون
۱۴۵	نظریات نیکولسن در باب سیستان

فصل چهارم

حکمیت مکماهون در سیستان

۱۵۳	حکمیت مکماهون در سیستان
۱۵۵	مکاتبات لارد کرزن با امیر حبیب الله خان
۱۶۰	قرار حکمیت مکماهون صادره کوهک

۱۶۳ حکمیت
۱۶۶ نامه مکماهون به رئیس کمیسیون ایران یمین نظام
۱۶۷ اتخاذ موقف جانبین در باره حکمیت مکماهون
۱۷۲ خطابه مکماهون در باره اهمیت تاریخی و سیاسی سیستان
۱۷۳ تاریخ سیستان
۱۷۸ وضع طبیعی سیستان
۱۸۲ آبهای سیستان
۱۸۴ دلتاهای قدیمی
۱۸۸ خطابه دوم ماکماهون
۱۹۷ سخنرانی لاردکرزن در تائید مکماهون
۲۰۰ بحث و تبادل نظر پیرامون خطابه مکماهون
۲۰۱ کلنل بیت
۲۰۵ سرتوماس هولدیچ
۲۰۹ دکتر تیل
۲۱۰ سخنرانی لمپلوگ
۲۱۲ سخنرانی پروفیسور گاروود
۲۱۳ سخنرانی سترهان
۲۱۴ سخنرانی اولی اولدهایم
۲۱۶ پاسخ سرهنری مکماهون
۲۲۱ نتیجه

فصل پنجم

مذاکرات سالهای ۱۳۱۵ - ۱۳۱۸ ش

۲۲۳ اهداف پرتوکولهای ۱۳۱۵ و ۱۳۱۰
۲۲۴ قرارداد تقسیم آب هیرمند بین دولتین افغانستان و ایران
۲۲۷ اعلامیه منضمه قرارداد و تردید آن از جانب شورای ملی
۲۲۹ متن یاد داشت مورخ ۱۸ / ۵ / ۱۳۳۳

۲۳۱.....	پروژه انکشاف زراعت در وادی هلمند
۲۳۳.....	نظر سردار نعیم خان

فصل ششم

راپور کمیسیون بیطرف دلتای هیرمند

۲۳۷.....	مدخل
۲۴۰.....	اول- صلاحیت برای کمیسیون
۲۴۵.....	دوم - اصل مسئله
۲۴۷.....	سوم - سوابق مسئله
۲۴۹.....	چهارم - حوضه رود هلمند (هیرمند)
۲۵۶.....	پنجم - زراعت در مصب رودخانه هیرمند
۲۶۳.....	ششم- مساحه مزروعه و آبیاری شده در رقبه دلتا
۲۷۱.....	هفتم - منبع و ذخیره آب دلتای هلمند (هیرمند)
۲۹۰.....	هشتم - آب مقتضیه در دلتا
۳۰۷.....	نهم - انکشافات جاریه و انکشافات آینده
۳۱۶.....	دهم- نتایج
۳۲۰.....	یازدهم - پیشنهادات اساسات مهندسی برای موافقت جانبین
۳۲۲.....	دوازدهم - سفارشها
۳۲۴.....	ضمیمه سوم (اعتراض نماینده ایران بر راپور)
۳۲۷.....	ضمیمه چهارم (پیشنهادات نماینده افغانستان)

فصل هفتم

اختلاف نظر بر ارزش راپور کمیسیون بیطرف و مذاکرات دوجانبه در این زمینه

۳۳۰.....	جریانات سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۸
۳۳۳.....	نتایج مذاکرات و مسافرت‌های متقابل نمایندگان فوق العاده
۳۳۴.....	اظهارات انجنیر کبیر لودین به شاه ایران
۳۴۰.....	مسافرت سپهبد جهانبانی به دربار کابل
۳۴۲.....	مکاتبه وزرای خارجه طرفین

مکتوب وزیر امور خارجه ایران، عنوانی وزیر خارجه افغانستان ۳۴۳

مکتوب جوابیه وزیر خارجه افغانستان ۳۴۴

فصل هشتم

آمادگی مذاکرات مستقیم و تهیه متن مورد موافقت جانبین

(۱۳۴۵-۱۳۵۱ش)

مذاکرات اخیر و تهیه متن های مورد موافقت ۳۴۶

مسافرت هیات های عالی رتبه برای غور بر متن آب هلمند ۳۴۸

اعلامیه حکومت افغانستان در باره مذاکرات راجع به آب رود هلمند ۳۴۹

مسافرت صدراعظم ایران به کابل و اعلامیه مشترک افغانستان و ایران ۳۵۰

اعلامیه ۳۵۱

معاهده بین افغانستان و ایران راجع به آب رود هلمند (هیرمند) ۳۵۳

فیصله شورای ملی افغانستان در مورد معاهده آب هلمند ۳۶۵

فصل نهم

عکس العمل محافل سیاسی در باره معاهده آب هیرمند

عکس العمل محافل سیاسی افغانستان ۳۶۶

مخالفت اعضای شورای ملی با معاهده آب هلمند ۳۶۸

گزارش فنی محصلان افغانی در هند توسط آقای فراهی در ولسی جرگه ۳۷۰

مخالفت هاشم میوندوال ۳۷۳

مخالفت داکتر محمد حیدر و استادان پوهنتون کابل با معاهده ۳۷۶

دفاع داکتر سید عبدالله کاظم از امضای معاهده آب هلمند ۳۷۷

پاسخ انجنیر اکبر رضا، رئیس کمیسیون معاهده آب هلمند ۳۸۱

تبصره من به ارتباط پاسخ انجنیر میر اکبر رضا ۳۸۵

مکتبی بر معاهده آب هیلمند (هیرمند) ۳۹۳

فصل دهم

پایه های حقوقی معضله آب رودخانه هلمند

تحلیل وضعیت حقوقی رود هلمند از نظر قانون آب افغانستان ۴۰۰

وضعیت حقوقی رود هلمند در پرتو اسناد بین المللی ۴۰۱

معاهده ۱۳۵۱ رود هلمند از نظر حقوق بین الملل	۴۰۲
علت عدم تطبیق کامل مواد مندرج معاهده از سوی افغانستان	۴۰۳
رویدادهای تاریخی پس از امضای معاهده آب هلمند	۴۰۵
مشکلات و راه حل‌های تطبیق مندرجات معاهده آب هلمند	۴۰۸
نتیجه‌گیری از این بحث	۴۱۰
وحید مزده: تخلفات ایران از قرارداد آب هلمند	۴۱۲

فصل یازدهم

داودخان و اعمار بندهای آب در حوزه جنوب غرب کشور

مقدمه	۴۱۹
مسافرت‌های داود خان برای جلب کمک‌های مالی	۴۲۰
پروژه‌های زیر بنائی در حوزه جنوب غرب کشور در پلان هفت ساله	۴۲۶
الف/گسترش اراضی و تسهیلات آبیاری در هیلمند	۴۲۶
ب/در حوزه نیمروز	۴۳۱
۱- اعمار بند کمالخان بر رودخانه هیلمند	۴۳۱
اهداف بند کمالخان در پلان هفت ساله	۴۳۲
هدف پروژه	۴۳۳
۲- نهر لشکری	۴۳۵
۳- بند آبگردان خوابگاه	۴۳۶
۴- بند آبگردان سیخسر	۴۳۶
آغاز مجدد کار بند کمالخان در ۲۰۱۱	۴۳۷
افتتاح فاز سوم بند کمالخان توسط رئیس جمهور غنی	۴۴۰
اکمال بند کمالخان، آرزوی دیرینه مردم نیمروز	۴۴۴
اهمیت اقتصادی و اجتماعی بند کمالخان	۴۴۴
بیدار باشید مردم نیمروز	۴۴۹

فصل دوازدهم

بحران بی ثباتی در افغانستان، و استفاده ایران و پاکستان از این بحران

- استفاده پاکستان از بحران افغانستان ۴۵۲
- ممانعت پاکستان از احداث بند بر رودخانه گُئر ۴۵۳
- استفاده ایران از بحران افغانستان ۴۵۵
- آب باید از ((سند جامع راهبردی همکاری میان افغانستان... ۴۶۳
- بند بخش آباد فراه و موانع در راه اعمار آن ۴۶۸
- فهرست عمومی مآخذ کتاب ۴۷۳

مقدمه مؤلف

سیستان (دلتای هیرمند)، سرزمین معروف و زرخیزی است در گوشه جنوب غرب کشور که امروز سه کشور افغانستان و ایران و پاکستان را در یک نقطه با هم پیوند میزند. این منطقه که در آن آثار و بقایای دوره های مختلف تاریخی فراوان است، از لحاظ تطور تاریخی و اشکال تمدنهای که در آن یکی بعد از دیگری جاگزین شده، و نیز از این جهت که محور حماسه های کهن ملی و مهد تهذیب اوستائی بشمار میرود، برای درک و فهم تاریخ منطقه کمال اهمیت را داراست.

سیستان همچنانکه در دوره اسلامی یکی از نقاط معمور و زرخیز کشور و کانون پرجوشش نهضت های رهائی بخش بوده است، بدون تردید در دوران های قبل از اسلام نیز از لحاظ اقتصادی و اجتماعی پیشرفته بوده و همانا توان مندی اقتصادی آن همواره توجه کشور کشایان و فاتحان شرق و غرب را به آن معطوف میداشته است. چنانکه به عنوان نمونه میتوان قشون کشی کوروش هخامنشی و اسکندر کبیر و دیگر جهانکشایان منجمله نادرشاه افشار را بسوی شرق از طریق سیستان نام برد.

این منطقه از لحاظ وفرت آب با داشتن رودخانه های خروشان و متعددی چون: هیرمند، ارغنداب، ترنک، فراه رود، خاشرود، هارود و غیره در گذشته دارای اقتصاد زراعتی پیشرفته و نیروی بشری قابل ملاحظه بوده و بقایای شهرها و قلعه ها و برج و باروهای از هم فروپاشیده فراوان آن، گواه زنده این مدعا میتواند باشد.

امروز هر که از گرشک یا لشکرگاه ویا از فراه به قصد زرنج مسافرت کند، در طول

بیش از ۳۰۰ کیلومتر مشاهده خواهد کرد که خرابه های شهرهای چون: بست، درتل، هزارجفت، صفار، رام رود، رام شهرستان، شهرستم، شهر غلغله، قلعه ترقون [تراخون، تراکو]، زاهدان، طاق، پشاوران، پوست گاو، قلعه نیشک، قلعه امیران، قلعه چهل برج، قلعه چهل دختران، قلعه چگینی، قلعه زرین، سورین کلات و قلعه فتح وغیره وغیره در پهنای آن به نظر میخورد که جغد هم بیم درارد شبی را برکنگره های حصار آنها سپری کند.

پروفیسر بارتولد، دانشمند مستشرق نامدار روسی از قول داکتر بلیو انگلیس که سیستان را در ۱۸۷۲ از جنوب تا فراه از نزدیک مشاهده کرده مینویسد: "هیچ نقطه یی در افغانستان مانند سیستان از هوا وهوس های آدمی صدمه ندیده است. تا چشم کار میکند، خرابه متصل خرابه افتاده است. این خرابه ها حاکی از ادواری است که ایالت سیستان مجد وعظمت وجلال وشکوه فراوان داشته است. فقط استقرار یک حکومت مترقی وعادل میتواند این خرابه ها را به شهرستانها وآن خارزار را به تاکستان های سرسبز مبدل سازد." (جغرافیای تاریخی ایران، از بارتولد، ترجمه حمزه سردادور)

مکماهون در گزارش تاریخی ایکه به مناسبت حکمیت و مطالعات خود در مورد سیستان طی سال ۱۹۰۳-۱۹۰۵ ارائه نموده، به حاصلخیزی اراضی سیستان تماس گرفته مینویسد: "حاصلخیزی بی مانند زمین سیستان وفراوانی اب رودخانه هیرمند ومعاونین آن، این ایالت راغنی ترین سرزمین ها از حیث محصولات زراعتی قرارداده است. ایالت سیستان با مختصر سعی وكوشش مصرثانی خواهد گشت، چونکه یک زمانی بسیار آباد ومعمور بوده، شهرهای پرمعیت داشته وسکنه آن غنی وبا ثروت بوده اند، شک نیست که باردیگر به همان اندازه آباد ومعمور خواهد گشت." (رک: سیستان سرزمین ماسه ها وحماسه ها، از این قلم، ج ۳، فصل ۱۲)

لاردکرزن، نایب السلطنه هند بریتانوی، در اوایل قرن بیستم، که به اهمیت

سیاسی و اقتصادی سیستان، از هرکس دیگر توجه زیادتر داشت، ضمن گزارشی به حکومت انگلیس نسبت به آینده سیستان اینطور ابراز امیدواری کرده است: «چه باید گفت به آن آثار بی شمار تاریخی که فرسنگ‌ها خرابه‌های آن امروز امتداد دارد؟ اگر سیستان در دست مردمان جدی و حسابی (مقصود انگلیس‌ها است) قرار گیرد و آبیاری درست بشود، ایا نخواهد توانست به ترقیات ادوار گذشته خود برسد؟ من امیدوارم آنروز بیاید. آینده سیستان بسته به اتخاذ اصول صحیح اداره کردن آب هیرمند است بوسیله هیدرولیک (یا هایدروتکنیک) که از تزییع آب جلوگیری کند. رود هیرمند امروز بطرف شمال (از حد رودبار) جاری است. زیادی آب در نيزار و باطلاق هدر می‌رود. وضع طبیعی سیستان هم طوری است که هیچ مانعی وجود ندارد از اینکه هیرمند به زمین‌های وسیع جنوب (زمین‌های منطقه گودزره و تراخون ورود بیابان و رامرود در دست چپ هیرمند) سوار بشود و آنها را آماده کشت و زرع کند. با ایجاد یک اصول صحیح و علمی آبیاری در آنجا این ایالت استعداد آنرا دارد که محصول فراوان بدهد.» (فصل سوم این اثر)



دانشمندان دیرین شناس بن المان تحت ریاست **پروفیسر- فیشر- طی** سالهای ۱۹۷۱-۱۹۷۳ میلادی آثار و بقایای تاریخی نیمروز را در منطقه کده، پوست گاو دشت امیران، مورد مطالعه قرار دادند و سرانجام نوشتند که: طی قرون ۱۲-۱۵ میلادی نیمروز و سراسر سیستان از یک کلتور غنی و مدنیت قابل ملاحظه مبنی بر سیستم منظم شبکه های آبیاری و کانالهای متعدد و وسیعی ایکه از هیرمند به هرسو کشیده بودند، برخوردار بوده است. طرز ساختمان منازل با استفاده از خشت خام و بشکل گنبدی و بکار بردن خشت های بزرگ پخته در تزئینات ساختمانها، با تخنیک های مختلف هنری، نمایانگر طرز و روش هنر معماری عنعنوی دوره های قبل از اسلام در خراسان و سیستان میباشد.

فیشر رئیس هیئت علاوه میکند: کثرت انبوه خرابه های نیمروز رامیتوان نتیجه تهاجم و حملات مکرر فاتحانی چون: اسکندر، چنگیز خان، تیمور لنگ، و غیره در ادوار مختلف پیش و پس از اسلام دانست. سکنه محل پس از هربار تخریب شهرها و نهرها و بندهای آب برای ادامه حیات و بقای خود مجبور بودند مجدداً به اعمار منازل واحداث بندها و اصلاح نهرهای مخروبه پردازند. فقط از قرن هفدهم و هژدهم به بعد است که دیگر سیستم منظم آبیاری در منطقه برهم میخورد و تراکم ریگ های روان در نهرها و شهرها، در مزارع و زمین های زراعتی و سرازیر شدن سیلاب های مدهش بهاری مردم را چنان عاجز ساخته که دیگر قدرت اعمار مجدد آن سیستم آبیاری سابقه را در خود ندیده اند، بالنتیجه حاصلخیزترین منطقه افغانستان به صحرای بایر و بی آب و علف مبدل شده است.

تحقیقات تاریخی و باستان شناسی نه تنها برای روشن ساختن گوشه یی از تاریخ آسیا کمک خواهد نمود، بلکه می باید امکانات یک طرح عصری را برای عمران و سربیزی مجدد منطقه با وسایل تخنیک مدرن جسجو و پیشکش کند. (جغرافیای تاریخی سیستان، ج ۱، ص ۷۳ و ۷۵)

نکته یی که میخواهم به ارتباط نظر پروفیسر فیشر آلمانی متذکرشوم اینست که

سیستان در سراسر قرون وسطی و بخصوص از قرن هفتم تا اواخر قرن چهاردهم میلادی دارای جمعیت کثیر و شبکه های منظم آبیاری بوده و در همین دوره هفتصد ساله یکی از معمورترین نقاط کشور بشمار میرفت و از جهت فراوانی تولیدات کشاورزی خود، به "گدام غله آسیا" و از لحاظ عمران و سربسزی و طراوت نخلستانهایش به "بصره خراسان" شهرت یافته بود.

چنانکه میدانیم در شرق بطور عام و در سرزمین های ایران و افغانستان و آسیای میانه بطور خاص، آب و آبیاری مصنوعی، یکی از پر اهمیت ترین مسایل اجتماعی و اقتصادی این جوامع است. هر وقتی که شبکه های آبیاری بر اثر هجوم های ویرانگر صدمه دیده و از میان رفته اند، مردمان محل مستاصل شده و مجبور به ترک خانه و محل زندگی خود شده اند. بدبختانه سیستان نیز در اثر یورش خانمانسوز تیمورلنگ در قرن چهاردهم (۱۳۸۳ م) و تخریب بیرحمانه شبکه های آبیاری و بندهای آب که بر رودخانه هیرمند قرارداد داشت، آن را به ویرانه موحشی مبدل کرد. و این ویرانی شبکه های آبیاری در دوره جانشینان تیمور نیز تکرار شد و بالنتیجه یکی از معمورترین و ثروتمندترین مناطق کشور از عمران افتاد و خراب و خراب تر شد.

منابع محلی گواهی میدهند که با وجود تخریب شبکه های آبیاری بوسیله تیمور و جانشینانش، مردم دست از تلاش برای از سرگرفتن رونق پارینه دیارشان نگرفتند و به اعمار مجدد بندها و کشیدن نهرها و احداث مزارع و باغها پرداختند و با اعمار قلعه هزاربرج (معروف به چهل برج) و قلعه فتح و قلعه ترقون و غیره شهرکها سیستان را دوباره معمور ساختند که از امنیت اجتماعی و اقتصادی عالی برخوردار شده بود.

برخی از ملوک سیستان برای اینکه نشان داده باشند که آنها از نژاد خاندان بزرگ و تاریخی کیانی اند، دست به اعمالی میزدند که واقعاً نمونه بوده است. چنانکه در عهد ملک سلطان محمود بن ملک یحیی کیانی (معاصر شاه اسمعیل صفوی در اوایل قرن شانزدهم میلادی) اکثریت مردم از یک نوع بیمه اجتماعی برخوردار بودند و بخصوص قشر بالائی جامعه چون: ملوک و امیران و پاداران (سالار امور کشاورزی) و

سادات و مشایخ و قضات و نقیبان و سپاهسالاران و غیره از حکومت نان راتبه داشتند : « اعلی سه نان ، اوسط دو نان و تا یک نان هر کس وظیفه (استحقاق) داشت ، هنگام عروسی و یا ماتم داری مردم از سر کار خاصه (دارایی شخصی) ملک داده میشد و حقوق آنهایی را که پنج سال از سیستان بجای دیگر رفته و باز آمده بودند ، از آرد و روغن گرفته تا لباس سنجش میگردید و برای شان داده میشد»^۱.

مگر این امنیت و روش حکومت داری، در دوران تاخت و تاز اوزبکان شییبانی و سپس اعزام شهزادگان صفوی به سیستان برهم خورد و با ضربات نادرافشاردیگر نتوانست کمر راست کند و رونق پارینه را از سر گیرد. ریگ های سیار دست در دست بادهای لجام گسیخته طبیعت داده و مجاری آب و آبیاری و دهکده ها را چون کفن سفید زیر پوشش خود گرفته است.

امروز هر که از فراه تا نیمروز یا از لشکرگاه از کرانه های هیرمند تا زرنج مرکز ولایت نیمروز و یا از دلآرام تا زرنج مسافرت کند، در طول سیصد کیلومتر مشاهده خواهد کرد که خرابه های حیرت آوری یکی بعد از دیگری افتاده و تا گلو در زیر ماسه ها و ریگ های روان غرق اند که جغد هم بیم دارد شبی را برکنگره حصار آنها سپری کند. این اثار و بقایای فراوان تاریخی در سیستان بیانگر غنا و ثروت سرشار سیستان در باستان زمان اند.

تأسیس دولت معاصر افغانستان در قندهار بعد از مرگ نادرافشار توسط احمد شاه ابدالی در ۱۷۴۷ میلادی، نقطه عطفی در تاریخ سیاسی کشور ما بشمار می رود. درست از همین تاریخ است که سیستان نیز وارد مرحله جدیدی از تاریخ سیاسی خود می گردد و به قلمرو احمدشاه درانی در می آید و تا ۱۲۰ سال بعد لاینقطع جزو قلمرو افغانستان باقی می ماند.

۱ - ملک شاه حسین کیانی، احیاء الملوک در تاریخ سیستان، ص ۹۴

طی سالهای (۱۸۳۷-۱۹۰۷) اوضاع واحوال اجتماعی و سیاسی و نظامی سیستان طوری کسب اهمیت نمود که نه تنها توجه کشورهای همسایه را بخود جلب کرد، بلکه درسالهای نیمه دوم قرن ۱۹، بخشی از بازی بزرگ قدرتهای بزرگ اروپائی بشمار می آمد و این می تواند مرحله جدیدی در تاریخ سیاسی منطقه بشمار برود.

مضمون بازی بزرگ در قرن ۱۹ از نظر روسها پیشروی و تصرف سرزمینهای بیشتر بخاطر رسیدن به هند و دست یابی بر ثروتهای افسانوی آن بود، و تلاش انگلیس از پیشروی بسوی آسیای میانه، حفظ سرحدات هندوستان از خطر روس ها بود. مرکز کشش و جاذبه هردو امپراتوری، افغانستان بود.

ایران بعد ازدو حمله ناکام بهرات درسالهای ۱۸۳۷ و ۱۸۵۷ پس از آن که با مقاومت شدید مردم هرات روبرو گردید، از هرات عقب کشید. انگلیس که هرات را به منزله دروازه هندوستان می پنداشت و دست روسها را در طرح و تطبیق این حملات دخیل می دید، با اشغال جزیره خارک در خلیج فارس، ایران را تهدید به ترک محاصره هرات نمود و ایران هم مجبور شد با انگلیس معاهده ای را در پاریس به امضا برساند، که به معاهده پاریس مشهور گشت (۱۸۵۷). ایران پس از عقب نشینی از هرات، سیستان را مورد توجه قرارداد و برخی از رؤسای محل را چه از راه تطمیع و چه از طریق تخویف متمایل به خود ساخت. در این هنگام علیخان سربندی یگانه وارث متصرفات محمد رضا خان سربندی بود و رؤسای دیگر هاشم خان شهرکی، دوست محمدخان ناروئی و ابراهیم خان سنجرانی هر یک نماینده بزرگ عشایر خود در سیستان بودند. علی خان سربندی در پایان سال ۱۸۵۷ به تهران دعوت شد و چند ماه بعد با دختر بهرام میرزا، پسر دوم عباس میرزا، برادر محمد شاه قاجار ازدواج کرده به سیستان عودت نمود، ولی پنج ماه از ورود او به سیستان نگذشته بود که توسط برادر زاده خود تاج محمدخان در قصر سه کوهه کشته شد. تاج محمد بر جای عمویش تکیه زد و متعاقباً ابراهیم خان بلوچ را که در جهان آباد سکنی داشت، به تخلیه جهان آباد تهدید کرد.

در سال ۱۸۶۶ قطعات قشون ایران تحت فرماندهی مظفرالدوله حاکم کرمان به

سیستان فرستاده شدند. تاج محمد نیز از آمدن حاکم کرمان به سیستان استفاده نموده توسط قشون ایرانی، ابراهیم خان بلوچ را از جهان آباد بیرون کرد. از آن پس ابراهیم خان در قلعه چخانسور مسکن گزید و نفوذ خود را در شرق تا کده و خاشرود بسط داد و در شمال تا لاش و جوین که در تیول صالح محمدخان ساکزی بود، توسعه داد.

در سال ۱۸۶۷ میرعلم خان خزیمه عرب، امیرقاین به بهانه تادیب آزادخان (افغان) که به قاینات حمله کرده بود، در رأس قشونی وارد سیستان گردید و نقاط مهم سیستان چون: نادعلی و قلعه فتح و چهاربرجک را اشغال نمود. این زمانی است که امیر شیرعلیخان با برادران خود برسر تصرف کابل دچار جنگ داخلی بود و ایران از این جنگ داخلی استفاده دلخواه کرد.

پس از آنکه امیرشیرعلیخان به تخت کابل جلوس کرد (۱۸۶۸ م) تصمیم گرفت سیستان را از چنگ ایران خارج کند، ولی انگلیس ها مانع شدند و پای حکمیت بر طبق معاهده ۱۸۵۷ پاریس را در میان گذاشتند. در اثر این حکمیت سیستان بدو قسمت شد، آن بخش که سرسبز تر و آبادتر و پر جمعیت تر بود به اسم «سیستان اصلی» به ایران داده شد و آن قسمت که بایتر و کم جمعیت تر بود سهم افغانستان قرار گرفت (۱۸۷۲ م). گولد سمید در پایان رأی حکمیت خود این جمله را نیز علاوه کرد: «باید صریحاً دانست که به هیچ گونه کار و پروژه ای بدو طرف رودخانه هیرمند مبادرت نشود که مقدار آب را از اندازه احتیاج طرف مقابل تقلیل دهند.» از این تاریخ به بعد رودخانه هیرمند که ۱۲۰۰ کیلومتر در داخل کشور جریان دارد، پایش را از سویه ملی فراتر نهاد و از بند کوهک تا سیخسر در فاصله تقریباً پنجاه کیلومتر بحیث سرحد مشترک میان ایران و افغانستان باعث اختلاف و نزاعهای بعدی گردید.

گرچه این حکمیت شدیداً مورد اعتراض دولت افغانستان قرار گرفت ولی جریان امر بعداً نشان داد که ایالت سیستان برای همیشه بدو قسمت باقی بماند و ایران از آب رودخانه هیرمند رسماً مستحق شناخته شود. مقصود انگلیس ها از این کار دو چیز بود: **اول** - دست یافتن به سیستان اصلی که برای حفظ سرحدات هندوستان از خطر

احتمالی روسها مورد نیاز شدید حکومت هند بود.

دوم- ایجاد دشمنی و اختلاف دایمی بین ایران و افغانستان که البته تا حدی با این مقصود آخری موفق هم شدند.

من سالها قبل در صدد بر آمده بودم تا سوابق موضوع را که هر جا به صورت ناتمام و نا تکمیل به نظر میخورد، جمع آوری کنم و بصورت یک اثر مستقل و مجموعه‌یی از حقایق تاریخی بنام «سرگذشت سیستان و رود هیرمند از ۱۷۴۷ تا ۱۹۷۳» در جلو چشم اهل مطالعه و علاقه باین مسئله ملی بگذارم تا با مطالعه آن بروح موضوع و منشاء آن همه بدبختی‌های که گریبان گیر این سرزمین است کاملا اطلاع حاصل گردد، و راه چاره آن جستجو شود. بعد از نشر مقالات داکترسد عبدالله کاظم ودسترسی به مطالب تازه تر، برآن کتابم که به حیث جلد چهارم «سیستان، سرزمین ماسه‌ها و حماسه‌ها» در دهه هشتاد قرن بیستم از سوی اکادمی علوم به چاپ رسیده بود، تجدید نظر کردم و چند فصل جدید برآن افزودم و آنرا بحیث جلد سوم تاریخ سیستان بحساب گرفتم. به نظرم نسخه کنونی کاملتر از نسخه چاپی ۱۹۹۰ اکادمی علوم افغانستان باشد.

کاندید اکادمیسین محمد اعظم سیستانی

سویدن، شهر گوتنبرگ / اپریل ۲۰۱۷